



نام و نام خانوادگی:

تعداد سوال: ۲۰

افشار

نام آزمون: زبان فارسی سوم کل کتاب

زمان برگزاری: ۲۰ دقیقه

مرکز مشاوره تحصیلی دکتر
علیرضا افشار

۱ کدام جمله چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند است؟

- ۱) فاصله ی اجزای کلمه ی مرکب و مشتق - مرکب، به اندازه ی فاصله ی حرف های یک کلمه است.
 ۲) مغولان با همه ی تباهکاری ها و ویرانگری های خود در قلمرو تاریخ، خویش را از زبان فارسی، بی نیاز ندیدند.
 ۳) نویسنده علاوه بر رعایت نکات فنی و به دور از تعصب و غرض ورزی در پژوهش های تاریخی همواره به واقعیات تکیه دارد.
 ۴) در بعضی زندگی نامه ها نویسنده بر اساس مستندات و واقعیت های موجود، زندگی یک از بزرگان را در قالب ماجرا می نویسد.

۲ اجزای اصلی جمله ی زیر، کدام است؟

«بی سوادی، عادت نداشتن به خواندن و سود بردن از افکار و اندیشه های اندیشمندان و متفکران، نداشتن نویسنده و ناشر و بسیاری از ناآگاهی ها، عوامل اصلی فقر و قحطی کتاب در بیشتر سرزمین های جهان به شمار می رود».

- ۱) سه جزئی گذرا به مسند ۲) چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند ۳) سه جزئی گذرا به متمم ۴) چهار جزئی گذرا به متمم و مسند

۳ عبارت «بیهقی، تنها مورّخی امین و بلند پایه نیست، که نویسنده ای توانا و زبردست است و امانت داری و دقت وی، کتابش را به صورت داستانی گیرا و دل چسب کرده است»، به ترتیب چند تک واژه و چند واژه است؟

- ۱) چهل و هشت - بیست و نه ۲) چهل و هشت - بیست و هشت ۳) چهل و نه - بیست و هشت ۴) چهل و نه - بیست و نه

۴ در متن زیر کدام واژه از نظر املائی غلط است؟

«درختی که در شهرستان روید از هر جانب آسیبی می یابد، نیکو حال تر از درویشی است که به مردمان محتاج باشد که مدّت حاجت کار دشوار است و گفته اند که درویشی اصل بلاها و داعی دشمنانگی خلق و ذایل کننده ی زور و حمیت است و هر که با پادشاهی که از دهشت هزیمت فارغ باشد، مخاصمت کند، مرگ را به حیلّت به خویشتن راه داده باشد».

- ۱) داعی ۲) ذایل ۳) مدّت ۴) حمیت

۵ در عبارت «چون امیری و حاکمی به عمارت و حکومت ولایتی رود، اهالی آنجا مطلوب خود را در هر کسوت که متضمّن مصلحت خود دانند به عرض رسانند و در میان این طوایف مردم فضول مفسد بی نهایت باشند که به وقاحت صاحب منصبی شوند و چون اولولامر از سلاح و فساد ایشان واقف نباشد و خواهد که خلاق او را متناوع و متابعت نمایند مطالب ایشان را به اجابت مقرون گرداند و حاصل آن باشد که خیر و شرّ مخفی و مسطور گردد»، چند غلط املائی هست؟

- ۱) سه ۲) پنج ۳) دو ۴) چهار

۶ در عبارت «در فترت کاینات به وزیر و مشیر و معاونت و مظاهر محتاج نگشت و برای هدایت و ارشاد آدمیان رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت جهل و ظلالت برهانیدند. آنگاه آیات جهاد بیامد، و فرضیّت مجاهدت، هم از وجه شرع و هم از طریق خرد ثابت شد و تأیید آسمانی و ثبات عزم صاحب شریعت بدان پیوست» چند غلط املائی هست؟

- ۱) سه ۲) چهار ۳) دو ۴) یک

۷ جمله ی «در سراسر کتاب هفتصد صفحه ای بیهقی، به ندرت به عیب جویی مستقیم از کسی بر می خوریم، از نظر اجزای اصلی تشکیل دهنده ی آن با کدام جمله یکسان است؟

- ۱) رستم برای حفظ تن خویش علاوه بر گبر زره مخصوصی به نام ببر بیان بر تن می کرد.
 ۲) تحمیدیه ها علاوه بر ارزش ادبی و هنری، حاوی مضامین مهمّ اخلاقی، معنوی و تربیتی نیز هستند.
 ۳) روح پرورش یافته، بیش از قوای عقلانی به خواننده ی تحمیدیه، نیرو و عظمت می بخشد.
 ۴) دکتر اسلامی ندوشن با قلم موشکاف و توانای خود درباره ی شخصیت بیهقی و چند و چون کتاب وی به داوری می پردازد.



۸ تعداد تکواژهای کدام عبارت بیش تر است؟

- ۱ زبان نوشتاری، معادل با زبان گفتار است.
۲ شناخت، جدا کردن ارزنده از بی ارزش است.
۳ عامل بس مؤثر در نوشته های ادبی صداقت است.
۴ برخی از واژه ها مستعمل و برخی مهمل است.

۹ تعداد تکواژهای کدام عبارت بیش تر است؟

- ۱ اگر هم رمان نویس رسالتی داشته باشد، بهتر است به طور غیرمستقیم حرفش را بزند.
۲ فقدان نیروی ایمان عامل اصلی تمام ضعف ها در جوانب مختلف فرهنگ و ادب روزگار ماست.
۳ وظیفه ی نقد ادبی تجزیه و تحلیل و شکافتن مسایلی است که یک خواننده ی عامی از عهده اش برمی آید.
۴ همیشه شاهد این نکته بوده ایم که قله های ادب ما کسانی بوده اند که عمق انسانی کارشان جلب نظر می کند.

۱۰ در متن زیر، چند غلط نگارشی وجود دارد؟

«نثر فارسی، در پایان اواخر دوره ی خواجه رشیدالدین از اطناب و تکلف کاملاً دور نشده که پریشان نویسی و سستی سبک عصر صفویان، گریبان گیر او شد. اندکی بعد در عهد و زمان نادری در خراسان نویسنده گانی چون میرزا مهدی خان استرآبادی، پیدا شد و با نوشتن کتاب های پر تکلف و ثقیلی چون دره ی نادره و جهان گشای نادری، بر شیوه ی «وصاف الحضرة» رفتند. عوامانه شدن نثر و درآمیختن آن با الفاظ و تعبیرات تازی، سبک نگارشی پارسی را از ضعف و سستی بر خوردار کرد.»

- ۱ چهار ۲ پنج ۳ شش ۴ هفت

۱۱ در متن زیر چند غلط املایی دیده می شود؟

«زاغ این سخن بشنود و بی واسطه صفیر و مشیر در محضر حاضران زبان بگشود و گفت: روباه به بازوی صولت، پیل مست را فرو افکند و از میان اقران جنس خویش به انواع معاصر شهرتی هر چه شایع تر دارد.»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۱۲ همه واژه های کدام گزینه در گذر زمان وضعیت مشابهی نداشته اند؟

- ۱ بر گستوان، بادافراه، ایدر ۲ دستور، دستار، خوب ۳ شوخ، کثیف، تماشا ۴ سپر، رکاب، یخچال

۱۳ در کدام گروه کلمه ها به ترتیب «چهار و سه» فرایند واجی صورت گرفته است؟

- ۱ بر افتادن حکومت جبار، احیای کشتزارهای پنبه ۲ داستان پر ماجرای سیاوش، باز آمدن فصل خیال
۳ انبار غله شهر خوف، سبدهای سنبل خشک شده ۴ بازی سیاسی انقلابیون، شادی زیاد مردم خیابان

۱۴ کدام عبارت، نیاز به ویرایش دارد؟

- ۱ منتقد، پنج غلط از مقاله ی او گرفت، که اتفاقاً همه درست بود.
۲ نویسنده ی مقاله با انتخاب نام مناسب برای آن، توجه خواننده را جلب می کند.
۳ اگر نوشته، پایان خوبی داشته باشد، خاطره ی آن همواره در ذهن خواننده، باقی می ماند.
۴ شاعران و نویسندگان برای تأثیر گذاری بیشتر، غالباً از عنصر فضا سازی، استفاده می کنند.

۱۵ در ابیات زیر، آخرین جمله چند بیت، فاقد مفعول است؟

- ۱ حسنت به اتفاق ملاحظت، جهان گرفت ۲ آری به اتفاق جهان می توان گرفت
۳ زین آتش نهفته که در سینه من است ۳ خورشید، شعله ای است که در آسمان گرفت
۴ می خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست ۴ از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت
۵ بر برگ گل به خون شقایق نوشته اند ۵ کان کس که پخته شد می چون ارغوان گرفت
۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

زبان فارسی



۱۶ در کدام گزینه هر دو نوع حذف وجود دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ به که نگردد رقیب دوست که این دیو ره | دشمنی‌اش دوستی، دوستی‌اش دام بود |
| ۲ شکر ایزد که به اقبال کله گوشه گل | نخوت باد دی و شوکت آخر شد |
| ۳ افسوس که از شش جهت راه ببستند | آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت |
| ۴ خود نه زبان در دهان عارف مدهوش | حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا |

۱۷ در همه گزینه‌ها به جز گزینه هم فعل گذرا و هم فعل ناگذر وجود دارد.

- | | |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| ۱ گریه آبی به رخ سوختگان باز آورد | ناله فریادرس عاشق مسکین آمد |
| ۲ ساقی بیا که موسم عیش آمد و طرب | پر کن قدح که می‌گذرد فرصت عجب |
| ۳ خوبان بشتابید به دل‌جویی عاشق | زان پیش که جویند و نیابید نشانش |
| ۴ باز آی ساقیا که هواخواه خدمتم | مشتاق بندگی و دعاگوی دولتم |

۱۸ ساختمان کدام گروه از واژه‌ها به ترتیب معادل «ناسپاس - منشی‌گری - روزانه - کشتار» است؟

- | | |
|---|--|
| ۱ نافرمان - صوفی‌گری - مردانه - دیدار | ۲ ناشناس - یاغی‌گری - محرمانه - گرفتار |
| ۳ نامعلوم - خوالی‌گری - شکرانه - برخوردار | ۴ نارس - آهنگری - شبانه - شنیدار |

۱۹ در متن زیر به ترتیب چند واژه «مشتق، مرکب و مشتق - مرکب» وجود دارد؟

«حسن شرافتمندی، مناعت، میهن‌دوستی، عدم اطاعت از زور و سرکشی در برابر ستمگری و اهمیت جانبازی، رادمردی و آزادگی در سراسر شاهنامه فردوسی به بهترین وجه یافت می‌شود.»

- | | | | |
|-----------------|----------------|-----------------|------------------|
| ۱ شش - یک - هفت | ۲ شش - دو - شش | ۳ پنج - یک - شش | ۴ پنج - یک - هفت |
|-----------------|----------------|-----------------|------------------|

۲۰ در منظومه زیر، چند جمله وابسته وجود دارد؟

«پر کن پیاله را، کاین آب آتشین، دیری است ره به حال خرابم نمی‌برد / این جام‌ها که در پی هم می‌شود تهی / دریای آتش است که ریزم به کام خویش / گرداب می‌رباید و آبم نمی‌برد.»

- | | | | |
|------|------|------|--------|
| ۱ یک | ۲ دو | ۳ سه | ۴ چهار |
|------|------|------|--------|

پاسخنامه تشریحی

۱ ۲ ۳ ۴ ۱

اجزای اصلی گزینه (۲):

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) طبق نظر کتاب درسی، این گزینه، نمونه‌ای از جمله‌های اسنادی است که با متمم همراه اند، گرچه این گونه متمم در جمله اسنادی سه جزئی، قابل تأویل به مسند است.

۳) در ترکیباتی مانند «تکیه دارد، اصرار دارد، و نظایر این‌ها، «دارد» را باید فعل اده به شمار آورد، زیرا جزء همراه فعل (تکیه، تأکید، اصرار) گسترش‌پذیر و نقش‌پذیر است (چنان که می‌توان گفت: تکیه زیادی دارد، تأکید فراوان دارد، اصرار شدیدی دارد).

سخت

۲) به شمار آوردن، نامیدن، خواندن، موسوم کردن و هر فعل دیگری که در این راسته ی معنایی باشد، سازنده ی جمله ی چهارجزئی با مفعول و مسند است؛ اما به خاطر داشته باشید که هرگاه فعلی مجهول گردد، یک گذر از آن کم می‌شود، چنان که در این جا، «به شمار می‌رود، مجهول است و مفعول در جایگاه نهاد محذوف نشده است.

ما بی‌سوادى و را ۰۰۰ / عوامل اصلی فقر / به شمار می‌آوریم / مجهول / بی‌سوادى و ۰۰۰ / عوامل اصلی فقر / به شمار می‌روند / نهاد / مفعول / مسند / فعل دو گذرا / نهاد / فعل یک گذرا

سخت

۳) مشکل این است که عبارت یاد شده، سی‌واژه و چهل و نه تکواژ است که باز می‌شماریم:

تکواژها: بیهقی/ی (وند نسبت)/ تنها/ مورخ/ ی/ امین/ او/ بلند/ پای/ ه (=) / نی/ (وند منفی ساز)/ است/ / / که/ نویس/ نده/ ی/ توان/ و/ زبر/ دست/ است/ / / و/ امانت/ دار/ ی/ و/ دقت/ / وی/ کتاب/ شش/ را/ به/ صورت/ / / داستان/ ی/ گیر/ و/ دل/ چسب/ کرد/ ه/ است/ / / (چهل و نه تکواژ)
واژه‌ها: بیهقی/ تنها/ مورخ/ ی/ امین/ و/ بلند/ پایه/ نیست/ که/ نویسنده/ ای/ توانا/ و/ زبردست/ است/ و/ امانت/ دار/ ی/ و/ دقت/ / وی/ کتاب/ شش/ را/ به/ صورت/ / / داستان/ ی/ گیر/ و/ دل/ چسب/ کرده/ است. (۳۰ واژه)

کنون سخن این جاست که اگر مؤلف محترم «به صورت —» را یک واژه، یعنی یک حرف اضافه ی مرکب دانسته باشد — چنان که در دستورهای سنتی دانسته می‌شد — شمار واژه‌ها ۲۸ خواهد بود و گزینه ی ۳ انتخاب خواهد شد. لیک بر پایه ی نگاه کتاب درسی و سیاق سالیان گذشته در آزمون سراسری و حتی به خاطر نبود فاصله ی درون واژه‌ای میان تکواژهای یاد شده باید، «به صورت» و — را واژه‌هایی جداگانه در شمار آورد که در این صورت گزینه ی ۴ را نیز باید ویراسته کرد.

احتمال دیگر آن است که مؤلف محترم «کتابش» را یک واژه شمرده باشد که این هم هرگز درست نیست. زیرا «ش» ضمیر پیوسته و جانشین اسم است و هر چند استقلال کاربردی ندارد، اما باز یک واژه در شمار می‌آید، به خاطر بیاوریم که واژه‌های دیگری هم داریم که به تنهایی به کار نمی‌روند همانند نقش نمای اضافه و واو عطف که این‌ها تکواژهای استثنایی هستند یعنی به تنهایی تشکیل واژه می‌دهند اما کاربرد مستقل ندارند. احتمال دیگر آن است که «به صورت» قید در نظر گرفته شده باشد که این هم خطا بودنش از روز روشن تر است زیرا قیدهای نشان دار کسره نمی‌گیرند.

سخت

۴) ۱ ۲ ۳ ۴ ۴ املای درست، «زایل» است.

سخت

۵) ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ واژه‌های نادرست و شکل درست آنها: عمارت (=امارت)، اولولامر (اولوالامر)، سلاح (=صلاح)، متاوعت (=مطاوعت)، مسطور (=مستور)

سخت

۶) ۱ ۲ ۳ ۴ ۶ «فترت» و «ظلال» نادرست است و درست آن‌ها، «فطرت: آفرینش، سرشت» و «ضلالت: گمراهی»

سخت

۷) ۱ ۲ ۳ ۴ ۷ اجزای اصلی جمله ی مورد سوال:

سه جزئی گذرا به متمم		نهاد
گزاره	متمم	
فعل	فعل	↓
↓	↓	
دکتر اسلامی ندوشن داوری می‌پردازد		

سخت

۸) ۱ ۲ ۳ ۴ ۸

سخت

۹) ۱ ۲ ۳ ۴ ۹

سخت

۱۰) ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۰ پایان اواخر / دور نشده / نویسنده گانی / پیدا شد / از ضعف و سستی بر خوردار کرد / غلط نگارشی هستند.

سخت

۱۱) ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۱ املای درست واژه‌ها: سفیر: فرستاده (صغیر: بانگ و فریاد) مآثر: اعمال پسندیده: کارها و آثار نیک که از کسی باقی مانده باشد.

معنی متن: «زاغ این سخن را شنید و بدون یاری گرفتن از فرستاده یا مشاور [ی] در پیشگاه حاضران شروع به سخن گفتن کرد و گفت: روباه با قدرت غلبه خود، فیل وحشی را از پا درمی‌آورد و در بین همتایان خود به [انجام] کارهای پسندیده مختلف شهره فراگیری دارد».

سخت

۱۲) ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۲ دستور: از دست دادن معنای پیشین و پذیرش معنای جدید

دستار: حذف از فهرست واژگان

خوب: ادامهٔ حیات با همان معنای قدیم

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: تمام واژه‌ها متروک شده‌اند.

گزینهٔ ۳: معنای قدیم خود را از دست داده و معنای جدید پذیرفته‌اند.

گزینهٔ ۴: با حفظ معنای قدیم، معنای جدید هم گرفته‌اند.

سخت

۱۳ ۱ ۲ ۳ ۴ بازی ی / سی - ی - اسی - ی / انقلابی - ی - ون / ۴ فرایند افزایشی - (شادی - ی / زی - ی - اد / مردم خی - ی - بان ۳ فرایند افزایشی)

سخت

۱۴ ۱ ۲ ۳ ۴ پنج غلط و همه درست (کژتابی) دارد.

سخت

۱۵ ۱ ۲ ۳ ۴ «گرفت» در خارج جمله فعل چندوجهی است و با توجه به معنا، درون جمله گذر آن آشکار می‌شود.

بیت اول: «گرفت»: در دست گرفت (اشغال کرد) / «جهان»: مفعول

بیت دوم: «گرفت»: شعله‌ور شد / خورشید: نهاد

بیت سوم: «گرفت»: بند آمد - گیر کرد / نفسش: نهاد

بیت چهارم: «گرفت»: در دست گرفت / آن کس: نهاد / می چون ارغوان: مفعول

توجه: در ابیات آمده، «آسمان و دهان» متمم قیدی‌اند و رکن جمله محسوب نمی‌شوند.

سخت

۱۶ ۱ ۲ ۳ ۴ فعل «است» به قرینهٔ معنوی پس از «به» (بهتر) حذف شده است. / فعل «بود» به قرینهٔ لفظی از پایان جملهٔ «دشمنی‌اش دوستی» حذف شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ ۲: حذف فعل «می‌کنم» ← حذف فعل به قرینهٔ معنوی

گزینهٔ ۳: افسوس ← حذف فعل به قرینهٔ معنوی

گزینهٔ ۴: (موی بر اعضا) حمد و ثنا می‌کند ← حذف به قرینهٔ لفظی

سخت

۱۷ ۱ ۲ ۳ ۴ فعل «باز آورد» گذرا به مفعول و فعل «آمد» در معنای «شد» گذرا به مسند است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ ۲: «بیا، آمد، می‌گذرد» فعل‌های ناگذر / «کن» گذرا

گزینهٔ ۳: فعل «بشتابید» ناگذر / «جوید» و «نیاید» گذرا

گزینهٔ ۴: فعل «بازآی» ناگذر / «م» مخفف «هستم» گذرا به مسند

سخت

۱۸ ۱ ۲ ۳ ۴ ناسپاس = نافرمان = پیشوند + اسم / منشی‌گری - صوفی‌گری = صفت + پسوند / روزانه = مردانه = اسم + پسوند / کشتار = دیدار = بن ماضی + پسوند

نکته: محرمانه از صفت + پسوند ساخته شده است.

سخت

۱۹ ۱ ۲ ۳ ۴ واژه‌های مشتق: شرافتمندی، ستمگری، اهمیت، آزادگی، فردوسی

واژهٔ مرکب: شاهنامه

واژه‌های مشتق - مرکب: میهن‌دوستی، سرکشی، برابر، جانبازی، رادمردی، سراسر

سخت

۲۰ ۱ ۲ ۳ ۴ جمله‌های وابسته عبارت‌اند از: ۱- [که] دیری است. / ۲- [که] این آب آتشین ره به حال خرابم نمی‌برد. / ۳- [که] در پی هم می‌شود تهی / ۴- [که] ریزم به کام

خوب

سخت



پاسخنامه کلیدی

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴

۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴

۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴

۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴

